

جزوه درس : تاریخ اسلام

فصل : دوم

سال تولد رسول اکرم (ص)

عبدالله (پسر عبدالمطلب) با آمنه دختر وهب رئیس طایفه بنی زهره از دواج کرد و حاصل از دواجشان حضرت رسول می باشد.
عبدالله هنگامی که آمنه باردار بود از دنیا رفت.
مورخین تولد پیغمبر را مطابق با عام الفیل می دانند که با توجه به رحلت پیامبر که در سال ۶۳۲ میلادی است و اینکه عمر مبارک آن حضرت ۶۳ سال می باشد، سال تولد ایشان باید بین ۵۶۹-۵۷۰ میلادی می باشد.

ماجرای عام الفیل

ذنواس (یکی از پادشاهان یمن) وقتیکه سفری به یثرب داشت، با یهودیان ساکن آنجا آشنا شد. یهودیان ذنواس را به دین خود دعوت کردند تا در سایه حکومت او از حملات مسیحیان و اعراب در امان باشند و در اثر تبلیغات، ذنواس دین یهود را پذیرفت. ولی مسیحیان نجران از پذیرفتن آن دین خودداری کردند و مورد آزار و اذیت او قرار گرفتند.
وقتی قیصر پادشاه روم، از این ماجرا اطلاع یافت، از پادشاه حبشه خواست تا لشکری برای نجات مسیحیان به یمن بفرستد.
پادشاه حبشه، ابرهه را مأمور این کار کرد. ابرهه با سپاهی بزرگ به یمن رفت و ذنواس را شکست داد. سپس کلیسای بزرگی در صنعا ساخت و قصد داشت ساکنان یمن را از زیارت کعبه منصرف کند و آنها را وادار کند تا کلیسای او را طواف کنند.
مردم به شدت خودداری کردند و ابرهه قسم خورد تا کعبه را خراب کند و با سپاهی بزرگ به سمت کعبه آمد، ولی پرنده گانی به نام ابابیل، با پرتاب سنگریزه بر سر سپاهیان ابرهه، سپاه او را شکست دادند.

بدلیل اهمیت شکست سپاه ابرهه، آن سال را عام الفیل نام نهادند.

تولد، کودکی و نوجوانی پیغمبر اسلام

- شکافته شدن ایوان کسری و فرو ریختن کنگره های آن
- خاموش شدن آتشکده های فارس
- خشک شدن دریاچه ساوه
- سرتگون شدن بت های کعبه
- نوری در زمان تولد، از پیغمبر ساطع می شد و تا فرسنگ ها را روشن می کرد.

نامگذاری پیغمبر

عبدالمطلب او را محمد نامید.

آمنه قبل از تولدش او را احمد نامید.



ولی در سوره صف (احمد) و در (تورات)، نیز به نام (احمد) ذکر شده است.

تولد، کودکی و نوجوانی پیغمبر اسلام (ادامه)

پیغمبر، پنج سال اول زندگی را در قبیله بنی سعد نزد دایه خود **حلیمة سعدیه** گذراند و بعد از آن نزد مادر آمد. آمنه مادر پیغمبر، هنگامی که پیغمبر شش ساله بود، در سفری به **یثرب** مریض شد و درگذشت.

لتیم : یعنی کودکی که هم پدر و هم مادر خود را از دست داده است.

پیغمبر هشت ساله بود که عبدالمطلب جد گرامیشان فوت می کند و سرپرستی پیغمبر را ابوطالب به عهده گرفت.

ماجرای سفر ابوطالب و پیغمبر به شام

در بین راه یک راهب مسیحی به نام « **بحیرا** » پیغمبر را ملاقات کرد و نشانه هایی در او دید و به ابوطالب سفارش کرد که به خوبی از او مراقبت کند، زیرا :

او (**محمد**) همان پیامبر موعود است.

جنگ فجار و حلف الفضول

ماههای حرام:



ماجرای جنگ فجار

کاروانی از حیره به مکه آمده بود که با خود مشک آورده بود. مردی از قریش از تیره بنی کنانه نگهبان قافله را که از قبیله هوازن بود خفته یافت، او را کشت و بارها را برد. این ماجرا سبب شد تا چندین بار جنگ و درگیری بین این دو قبیله ایجاد شود و محمد در یکی از این جنگها حاضر بود.

حلف الفضول

قبیله های ساکن مکه با هم پیمان بسته بودند که به موجب آن هر قبیله که از تعرض قبیله دیگر مصون باشد. اما اگر غریبه ای به شهر می آمد، کسی از آن حمایت نمی کرد. مردی از قبیله بنی اسد برای تجارت به مکه آمد و مردی از قبیله بنی سهم، کالای او را خرید اما بهای کالا را نپرداخت. مرد به دادخواهی نزد قریش آمد اما کسی از او حمایت نکرد. او به کوه ابو قبیس رفت و اشعاری در مظلومیت خود خواند. قریشیان پشیمان شدند و در خانه عبدالله بن جدعان پیمانی بستند که از این پس نگذراند، به هیچ غریبی ستمی برسد. چون این پیمان علاوه بر پیمان ها و سوگندهای گذشته بود آن را **حلف الفضول** نامیدند.

از دواج با خدیجه - نصب حجر الاسود

پیامبر در دوران نوجوانی و جوانی به شبانی مشغول بودند.

پیامبر بیست و پنج ساله بود که ابوطالب به وی پیشنهاد کرد، با کاروان قریش - که آماده عزیمت به شام بود - همراه شود و مانند گروهی از خویشان از خدیجه دختر **ابو خویلد** سرمایه بگیرد، تا برای او تجارت کند. از آنجایی که محمد، امین و درستکار بود، خدیجه پذیرفت. پس از این سفر تجاری بود که خدیجه به ازدواج محمد (ص) درآمد.

نصب حجر الاسود

خانه کعبه در دوره جاهلیت نزد عرب محترم بود و در سالی در اثر سیل دیوارهای کعبه شکست. قریش دیوارهای کعبه را ترمیم کرد و هنگام نصب حجر الاسود بین سران قبیله‌ها اختلاف افتاد. سرانجام اتفاق نظر کردند که نخستین فردی که از در بنی شیبه وارد مسجد شد بین آنها دواری کند. نخستین فرد **محمد (ص)** بود. **محمد (ص)** گفت: جامه‌ای پهن کنید، حجر الاسود را میان آن بگذارید و هر گوشه جامه را یکی از سران قبایل بگیرد. وقتی جامه را بالا آوردند، محمد (ص) سنگ را برداشت و در جای خود نهاد.

بعثت پیامبر و اولین ایمان آوردندگان

پیامبر در بیست و پنج سالگی با خدیجه ازدواج کرد.

پیامبر اکثر اوقات را، بخصوص در ماه رمضان در غار حرا به عبادت مشغول بودند و حضرت خدیجه برای ایشان آب و غذای بردند. محمد (ص) در ۲۷ رجب سال ۶۰۹ میلادی در غار حرا به پیامبری مبعوث شد.

بعثت

جبرئیل بر پیامبر نازل شد و به حضرت گفت: بخوان ... **اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ**
پیامبر در زمان مبعوث شدن چهل ساله بودند.

اولین ایمان آوردندگان به ترتیب:

- ✓ حضرت خدیجه و حضرت علی
- ✓ زید بن حارثه، غلام آزاد شده حضرت رسول
- ✓ زینب، رقیه، ام کلثوم، دختران پیامبر
- ✓ ابوبکر، بلال، یاسر، سمیه، عمار، مقداد و ابودر

دعوت آشکار به اسلام

تا سه سال دعوت به اسلام به صورت پنهانی انجام می شد تا زمانیکه پروردگار او را مأمور دعوت به صورت آشکار کرد. (انذر عشیرتک الاقرین)

پیامبر تمام آشنایان و نزدیکان خود را دعوت کرد و به حضرت علی (ع) فرمودند غذایی برای آن ها تهیه کند و از آنها پذیرایی کرد. بعد از پذیرایی، حضرت همه را به اسلام دعوت کرد و سپس فرمود هر کس دعوت مرا بپذیرد بعد از من وصی و جانشین من خواهد بود. هیچ کس دعوت پیغمبر را نپذیرفت جز حضرت علی (ع). این روز را **یوم الدار** نام نهادند و حضرت رسول در مقابل همه دست حضرت علی (ع) را بالا برد و فرمود :

این علی بعد از من وصی خلیفه و جانشین من است و نسبت آن به من به منزله هارون است به موسی.

علل مخالفت اشراف با اسلام

- از دست دادن منافع و آزاد کردن بردگان
- از دست دادن منافع بت خانه ها
- حمایت از یتیمان
- بر هم خوردن امتیازات طبقاتی
- لغو تعرض نسبت به دیگران

اهانت ابولهب به پیغمبر و اسلام آوردن حمزه عموی پیغمبر

حمزه در میان قبایل قریش ، به شجاعت مشهور بود.

اسلام آوردن **حضرت حمزه**، نکته بسیار مهمی است در تاریخ اسلام، برای شروع پیروزیهای بعدی.

اقدامات سران قریش برای متوقف کردن پیشرفت دین تازه

➤ بدگویی از پیغمبر و آزار رساندن به او.

➤ شکنجه و آسیب به پیروان

➤ نسبت دادن شاعری و دیوانگی و ساحری به ایشان

نذرین حرث و مخالفت او با پیامبر

قرآن درباره نذر گفته است : **وَمَنْ قَالَ سَأُنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ**

دلیل هجرت پیروان پیامبر به حبشه

کافران نسبت به پیروان پیامبر، از هیچگونه سختگیری و آزار مذايقه نمی کردند. لذا پیامبر به آنها فرمود تا به حبشه بروند.

قریش چه کسانی را و برای چه به نزد پادشاه حبشه (نجاشی) فرستاد؟

قریش عمر بن عاص و عبدالله بن ابی ربیع را نزد نجاشی فرستادند تا پیروان پیامبر را بازگردانند.

آنچه در مجلس نجاشی گذشت

در مجلس نجاشی جعفر بن ابی طالب به نمایندگی از دیگران صحبت کرد.

جعفر آیه هایی از سوره «مریم» را در مورد عیسی مسیح برای نجاشی خواند و نجاشی مسلمانان را پناه داد.

اسلام آوردن عمر

عمر بن خطاب در سال پنجم هجرت اسلام آورد

فاطمه، خواهر عمر، زن سعید بن زید بود و زن و شوهر، هر دو مسلمان شده بودند ولی اسلام خود را پنهان می کردند. عمر قصد کشتن پیغمبر را داشت ولی **نعیم بن عبدالله** او را از این کار منصرف کرد و به او گفت ببینید خویشان او (خواهر و شوهر خواهرش) به چه کاری مشغولند. هنگام ورود عمر به خانه خواهر و شوهر خواهرش، خباب بن ارت، مشغول آموختن سوره « طه » به زن و شوهر بود. عمر پس از ورود به خانه خواهر و شوهر خواهرش درگیر شد ولی از کار خود پشیمان شد و نهایتاً با خباب به نزد پیامبر رفت و مسلمان شد.

طرح محاصره بنی هاشم

از آنجایی که قبایل قریش پیشرفت روزافزون اسلام را مشاهده کردند و پادشاه حبشه نیز مهاجران را به آنها تحویل نداد، این قبایل تصمیم به محاصره اقتصادی مسلمانان گرفتند.

مفاد عهدنامه :

➤ هیچکس نباید به فرزندان هاشم یا عبدالمطلب زن بدهد یا زنی بگیرد.

➤ هیچکس نباید چیزی به آنها بفروشد و یا چیزی از آنها بخرد.

این عهدنامه در خانه کعبه آویخته شد.

بنی هاشم و بنی عبدالمطلب، به ناچار در دره ای به نام **شعب ابی یوسف** که به شعب ابی طالب معروف گشت محاصره شدند. این محاصره دو تا سه سال طول کشید.

نحوه شکست عهدنامه و محاصره :

ابوطالب به انجمن قریش رفت و گفت : برادرزاده ام می گوید موریانه پیمان نامه ای را که نوشته اید خورده و تنها اسم خدا را باقی گذارده است.

اگر سخن او راست بود، محاصره را بشکنید و اگر دروغ گفته بود، من او را به شما می دهم. وقتی به سراغ نامه رفتند، دیدند موریانه همه آن را جز نام خدا خورده، بدین گونه پیمان محاصره بنی هاشم شکسته شد.

نتایج انتقال بنی هاشم به شعب ابوطالب - مرگ ابوطالب و خدیجه

- ۱- امکان عملی مراقبت دائمی تمام بنی هاشم از جان پیامبر
- ۲- حضور دائمی بنی هاشم در یک مکان، همدردی مشترک و آگاهی فکری به اندیشه‌های حضرت رسول در مورد فساد مناسبات اشرافی.
- ۳- برانگیخته شدن عواطف تیره‌ها و خاندان‌های وابسته به بنی هاشم بر علیه اشراف قریش در اثر مشاهده سختی‌های آنان.
- ۴- ارتباط نزدیک پیامبر با بنی هاشم و بنی مطلب و مسلمانان بی‌پناه مکه و ابراز تمامی عقاید و اندیشه‌ها و محتوای بعثت خویش با آنها.
- ۵- بوجود آمدن روح مقاومت، ایثار و صبوری در اثر تحمل سختی‌های بیش از اندازه در شعب.

مرگ ابوطالب و خدیجه

مرگ خدیجه و ابوطالب در یک سال اتفاق افتاد. سه سال پس از هجرت. با مرگ ابوطالب، گستاخی قریشیان نسبت به محمد افزایش یافت تا آنجا که روی سر او خاک می‌ریختند. اما خدیجه همیشه به او آرامش می‌داد و به دل‌داری او می‌پرداخت.

ماجرای سفر پیامبر به طائف

بعد از ابوطالب، ریاست بنی هاشم به **ابولهب** رسید. ابولهب از دشمنان سرسخت پیغمبر بود. پیامبر به ناچار سفری به طائف کرد تا قبیله ثقیف را که در آن شهر زندگی می‌کردند به اسلام دعوت کند. در آن جا سه تن از آنها را که فرزندان **عمرو بن عمیر** بودند به دین خود فراخواند. لکن آنان با سردی با وی رفتار کردند. محمد (ص) به تاکستانی پناه برد و لحظاتی چند با خدا مناجات کرد ...
عتبه و شیهه پسران ربیعہ چون مناجات و سخنان پیغمبر را شنیدند بر وی رقت کردن و غلام خود را که نصرانی بود با طبقی از انگور نزد پیغمبر فرستادند ...
آن غلام که **عداس** نام داشت، پس از هم‌صحبتی با پیامبر مسلمان شد و سپس پیغمبر از طائف به مکه بازگشت.

اسلام در مدینه

در سال‌هایی که قریش با کوشش فراوان، مردمان را از گرویدن به اسلام باز می‌داشتند، در شهر یثرب واقع در پانصد کیلومتری مکه، حوادثی در جریان بود ...

یثرب واحه‌ای بزرگ بود و بدلیل استعداد کشاورزی، مردم از جنوب بدان جا رفته بودند. این همان شهری است که پس از هجرت پیغمبر بدان جا، **مدینه النبی** و سپس **مدینه** نام گرفت ...

اختلاف طبقاتی، بدان سان که در مکه بود، در این شهر دیده نمی‌شد.

جنگ یوم بعاث:

در سالهای نزدیک به هجرت، نزاعی سخت بین دو قبیله **اوس** و **خزرج** در گرفت. این جنگ به **یوم بعاث** معروف شد و مردم زیادی از هر دو قبیله کشته شده بودند. هر دو قبیله خواهان صلح و آشتی بودند و طبق سنت برای از میان رفتن جنگ، باید خون‌بهایی به اقوام مقتولین پرداخت شود. مبلغ این خون‌ها را باید مرد بزرگی که همه ریاست او را قبول دارند، تعیین کند و بعلاوه، این داور را کسی باید بعهده بگیرد که خود در درگیری و نزاع شرکت نداشته باشد.

در ابتدا مردم یثرب می‌خواستند **عبدالله بن ابی** را که مردی نسبتاً نیرومند و در جنگ‌های قبیله‌ای بی‌طرف مانده بود را به ریاست شهر برگزینند.

ادامه ماجرای اسلام در مدینه

شیوه پیامبر (ص) چنان بود که در موسم حج نزد قبیله‌هایی که برای زیارت آمده بودند، می‌رفت و آنان را به مسلمانی دعوت می‌کرد. سالی، شش تن از مردم خزرج او را دیدند و محمد (ص) رسالت خود را به آنها ابلاغ کرد. آنان دعوت او را که نویدی برای آشتی و پرهیزکاری بود پذیرفتند و مردم خود را از آن آگاه کردند. بیشتر مردم شهر، از این دعوت خوشحال شدند ...

دلایل قبول دعوت پیامبر اسلام از سوی مردم یثرب:

- آنان از قبل با داستان ظهور پیامبر آشنا بودند و می‌خواستند با دعوت محمد (ص) به شهر خویش، شرفی را نصیب خود گردانند
- کسی را به ریاست می‌پذیرفتند که از جانب خدا بود، نه از جانب قبیله.
- محمد از مردم شهر نبود و در جنگ‌ها و درگیری‌ها شرکت نداشت.
- در سال بعد، به هنگام حج، دوازده نفر از مردم مدینه در **عقبه** با محمد (ص) بیعت کردند. موارد بیعت آنها عبارتند از :
 - ❖ به خدا شرک نوزند.
 - ❖ دزدی نکنند.
 - ❖ زنا نکنند.
 - ❖ فرزندان خود را نکشند.
 - ❖ بر کسی تهمت نزنند.
 - ❖ در کارهای خیر که محمد (ص) دستور می‌دهد، از او اطاعت کنند.

ادامه ماجرای اسلام در مدینه

پیامبر فردی را به نام **مصعب بن عمیر** همراه آنان به یثرب فرستاد تا هم قرآن را به مردم تعلیم دهد و هم از وضع و مقدار استقبال مردم آگاه شود.

بیعه الحرب :

در سال سیزدهم بعثت، در موسم حج، ۷۳ مرد و ۲ زن، پس از فراغت از موسم حج در عقبه گرد هم آمدند و با پیغمبر عمومی ایشان، **عباس بن عبدالمطلب** ملاقات کردند. پس نمایندگان مردم مدینه با پیامبر بیعت کردند که با دشمن او دشمن و با دوست او دوست باشند و با هر که با وی به جنگ برخاست جنگ کنند. بدین سبب این بیعت را بیعه الحرب نامیدند.

مهاجرین و انصار :

آنان که از مکه به مدینه رفتند را **مهاجران** و آنان که در مدینه مهاجران را پذیرفتند **انصار** نام دادند.

توطئه دارالندوه

همین که سران قریش مطلع شدند که پایگاهی تازه برای نشر اسلام آماده شده است و مردم مدینه با پیغمبر پیمان جنگ بسته‌اند، خطر را احساس کردند. چرا که می‌ترسیدند پس از آن همه آزار و اذیت نسبت به پیغمبر و پیروان او، آنها در پی انتقام برآیند. ضمناً آنها برای فروش کالاهای خود به شهر یثرب می‌رفتند و مشتریان زیادی در آنجا داشتند و اگر آن شهر را از دست می‌دادند زیان اقتصادی زیادی را متحمل می‌شدند.

لذا در **دارالندوه** جلسه‌ای را ترتیب دادند و بنا شد از هر قبیله‌ای جوانی آماده شود تا دسته جمعی بر سر محمد (ص) بریزند و او را بکشند....

در آن شب که قریش می‌خواستند چنین توطئه‌ای را عملی نمایند، پیغمبر به فرمان خدا از مکه خارج شد و **علی (ع)** را در بستر خود خواباند و خود با **ابوبکر بن ابی قحافه** عازم یثرب شد. سه روز در غاری نزدیک مکه، که **ثور** نام داشت، توقف کردند و سپس از بیراهه راهی یثرب شدند.

جزوه درس : تاریخ اسلام

فصل : دوم

پیغمبر (ص) در مدینه

رسول خدا در روز دوشنبه برابر با دوازدهم ربیع الاول سال چهاردهم بعثت و برابر با بیست و چهارم سپتامبر ۶۲۲ میلادی به قبا که واحه‌ای است نزدیک مدینه، وارد شدند. هجرت پیغمبر از مکه به مدینه مبدأ تاریخ مسلمانان قرار گرفت. اما آغاز سال را از ماه محرم گرفتند.

پیامبر هنگام توقف در قبا مسجدی به نام (مسجد قبا) بنا کرد.

علی (ع)، سه روز بعد از هجرت پیامبر به مدینه، در مکه ماند تا امانتهایی را که مردم نزد پیامبر گذاشته بودند، به آنها بازگرداند ...

نخستین نماز جمعه :

پیامبر (ص) روز جمعه، با گروهی از بنی نجار روانه مدینه شد. نخستین نماز جمعه را در قبیله بنی سالم بن عوف برگزار کرد.

مهاجرات پیامبر در مدینه :

محمد (ص) فرمود، هر جا شتر من بر زمین بخوابد همان جا منزل خواهم کرد. شتر بر در خانه‌های بنی مالک بن نجار، در جایی که بعداً مسجد او را ساختند و جزء مسجد فعلی است، بر زمین خفت. زمین، از آن دو یتیم بود که در آنجا خرما می‌خسکاندند. پیغمبر زمین را از معاذ بن عفره که آن دو کودک در سرپرستی او بودند خریداری کرد و در آن جا مسجدی ساخت. ابوتراب انصاری، بنه پیغمبر را به خانه خود برد و پیغمبر تا روزی که حجره‌ای برای وی ترتیب دادند نزد ابوتراب به سر برد. در یک سوی مسجد صفه‌ای ساختند که یاران مستمند پیغمبر در آن سکونت کنند. کسانی که در این صفه به سر می‌بردند، همان کسانی هستند که در اسلام بنام اصحاب صفه معروفند و از گزیدگان اصحاب رسول خدایند.

برادری مهاجر و انصار

مردم شبه جزیره عربستان به دو دسته تقسیم‌بندی می‌شوند:

جنوبیان شهرنشین بودند (عرب قحطانی)

مردم یثرب از مهاجران جنوبی بودند (انصار)

عرب مقیم

عرب بیابانگرد : مردم مرکز و شمال، چادرنشین و بیابانگرد بودند. (عرب عدنانی)

کارشان دامداری بود و در شهرهای ساحلی و نزدیک به ساحل سکونت کردند و به کار تجارت پرداختند.

اغراب مکه و اطراف آن چادرنشین بودند. سپس به بازرگانی پرداختند. قریش جزء این دسته بودند. (مهاجران)
پیغمبر برای اینکه این دو دسته (مهاجرین و انصار) را از هر جهت با هم متحد سازند میان آنها عقد برادری بست و هر مهاجر برادر یکی از مردم مدینه گردید.

پیامبر، امام علی (ع) را با خود برادر سافت و گفت تو در دنیا و آخرت برادر من خواهی بود.

مساوات و برادری بدان جا کشید که هر مسلمانی برادر مسلمان خود را بر خویشتن مقدم می‌دانست.

حکومت بر اساس دین

مرحله اول :

❖ یثرب پایگاه مسلمانان گردید

❖ برادری مهاجران و انصار (پیوستگی عرب قحطانی و عدنانی)

❖ تعیین حدود حقوق مسلمانان و یهودیان

مرحله دوم : اعلام موبودیت اسلام

❖ شعار اسلام در مکه، توحید (دعوت به خدای یگانه و دور افکندن آئین بت پرستی) و نیز عبادتی مختصر بود

❖ در مدینه، اذان شعار نمازها گردید. تشریع، احکام معاملات، پرداخت مالیات، حدود و دیگر حکم‌های سیاسی

و اجتماعی آغاز شد و حکومتی بر اساس دین پدید آمد که قوام آن عدالت اجتماعی بود، در عین حال رأی

مردم نیز در آن محترم شمرده می‌شد.

اینچنین سازمانی با منافع گروههایی که پیش از آمدن پیغمبر به یثرب، خیال حکومت را در سر داشتند و گروهی که منافع اقتصادی خود را در خطر می‌دیدند، منافات داشت.

این دو گروه، منافقان و یهودیان بودند.

منافقان و یهودیان

عبدالله بن ابی، که مقدمات ریاست او بر شهر آماده شده و بارسیدن محمد (ص) به یثرب از این مقام محروم مانده بود، بیکار نمی‌نشست و

با آن که بظاهر خود را مسلمان می‌خواند، در نهان علیه محمد (ص) و مسلمانان توطئه می‌کرد و بایهود مدینه سر و سری داشت.

قرآن این گروه را منافق خوانده و آیه‌های قرآن گاهگاهی آنان را تهدید می‌کرد.

إِذَا جَاءَكَ الْمُتَنَفِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ. وَاللَّهُ يَشْهَدُ
إِنَّ الْمُتَنَفِقِينَ لَكَذِبُونَ

هون منافقان نزد تو آیند گویند : « گواهی می‌دهیم که تو واقعاً پیامبر فدایی. و خدا هم می‌داند که تو واقعاً پیامبر او

هستی. و خدا گواهی می‌دهد که مردم دو مهره سفت دروغگویند. » (سوره منافقون - آیه ۱)

کارشکنی عبدالله بن ابی تا سال مرگش (نهم هجرت) ادامه داشت.

علت تافشندگی یهودیان مدینه :

➤ آنان گذشته از تسلط بر اقتصاد یثرب، با عرب‌های بیابانی و نیز مشرکان مکه داد و ستد داشتند و انتظار می‌بردند که با ریاست عبدالله بن ابی بر مدینه، نفوذ اقتصادی آنان توسعه یابد.

➤ گذشته از این، یهودیان بر خود هموار نمی‌کردند که کسی را که از نسل یهود نیست، به پیغمبری بشناسند.

سرانجام قرآن به یکباره رابطه اسلام را با یهود و نصاری برید و برای آنکه به عرب بفهماند آنان در مقابل یهود امتی جداگانه هستند گفت : عرب بر ملت ابراهیم و ابراهیم جدّ اعلای اسرائیل است.

تغییر قبله

پیغمبر تا هفده ماه پس از ورود به مدینه هنگام نماز رو به مسجد الاقصی می‌ایستاد.

روزی که در مسجد بنی سلمه نماز ظهر می‌خواند (شعبان سال دوم هجری) در بین نماز این آیه بر وی نازل

شد: **قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ**

« همانا می‌بینیم گردش روی تو را در آسمان، پس همانا ما برای تو قبله‌ای قرار می‌دهیم که از آن قشود باشی، پس برگردان روی خود را به سوی مسجد الحرام، و هر جا که بودید بگردانید روی‌های خود را بدان جهت و همانا آنان که دادیم به آنها کتاب را، میدانند که آن حق است از جانب پروردگارشان و خدا از آنچه می‌کنند غافل نیست. (آیه ۱۲۲ سوره بقره) »

پیغمبر در همان حال روی از بیت المقدس به طرف کعبه کرد. این مسجد به مسجد ذوالقبلتین معروف شد.

تغییر قبله از مسجد الاقصی به مکه بر یهود و منافقان گران افتاد و بر مسلمانان خرده می‌گرفتند.

در پاسخ به نکوهش کنندگان، این آیه آمده است:

سَيَقُولُ الشُّعْبَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّهُمْ مِنْ قِبَلِهِمُ الْيَتَّى كَانُوا عَلَيْهِمْ لِلَّهِ قُلْ أَشْزَقُ وَالْمَغْرِبِ يَتَدَي يَشَاءُ مَنْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

به زودی مردم کم‌مرد خواهند گفت : « چه چیز آنان را از قبله‌ای که بر آن بودند رویگردان کرد؟ » بگو: « مشرق و مغرب از آن فداست؛ هر که راه فواید به راه راست هدایت می‌کند. » (آیه ۱۲۲ سوره بقره)

تاریخ تحویل قبله را از بیت المقدس به خانه کعبه، در دو روایت از ابن اسحاق، ماه هفدهم هجرت نوشته‌اند.